

کوهرا ادب

گزیده آثار ادب فارسی دری

مولفان:

دکتر حجت‌الله بهمنی مطلق

دکتر کامران شاه مرادیان

دکتر محمودرضا سازواری

دکتر کبری رهبر

اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

عنوان و نام پدیدآور	: گوهر ادب: گزیده آثار ادب فارسی دری / مولفان: حجت‌الله بهمنی مطلق ... (و دیگران)
مشخصات نشر	: تهران: موسسه کتاب مهریان نشر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۲۳-۸۶-۸
یادداشت	: مولفان: حجت‌الله بهمنی مطلق، کامران شاه‌مرادیان، محمودرضا سازواری، کبری رهبر.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۰۶.
موضوع	: ادبیات فارسی -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع	: سبک‌شناسی -- راهنمای آموزشی (عالی)
شناسه افزوده	: بهمنی مطلق، حجت‌الله، ۱۳۵۰ -
رده پندی کنگره	: PIR ۳۳۳۱/۷۹۵ ۱۳۹۲:
رده ی دیویی	: ۸۴۰/۷:
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۸۱۹۰۳:



عنوان: گوهر ادب

گزیده آثار ادب فارسی دری

مؤلف: حجت‌الله بهمنی مطلق، دکتر کامران شاه‌مرادیان

محرران: محمودرضا سازواری، دکتر کبری رهبر

نشر: موسسه کتاب مهریان نشر

روفرچین: مهریه بیات

طراح جلد: ریمه شهیدی محمدی

چاپ: اول تابستان ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۲۳-۸۶-۸

www.MehrabanShop.com

www.MehrabanPub.com

Email: Mehraban_book@yahoo.com

«کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ و متعلق به «مهریان» است»

نشانی: تهران، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ لیافی نژاد، پلاک ۱۸

تلفن: ۶۶۹۷۳۱۷۵-۶ فکس: ۶۶۴۸۳۱۴۵

مولفان از حق پژوهشی یکسان برخوردارند و ترتیب نام‌ها هیچ گونه امتیازی برایشان ایجاد نمی‌کند.

۱۱	پیشگفتار
۱۲	به نام آنکه هستی نام از او یافت
	سبک سراسانی
۱۴	نشانی خورشید را را
۱۴	مادر آرمانگان که آمد فرزند
۱۵	رنگ و بو
۱۵	کنون زمانه دگر است پس دگر گشتم
۱۷	داستان آفرینش آدم
۱۹	در آیین دوست گرفتن
۱۹	دبیر نیکو
۲۲	ستایش خرد
۲۳	آمدن زال به نزد مهرباب کابلی
۲۵	رای زدن رودابه با کنیزکان
۲۷	رفتن زال به نزد رودابه
۲۹	رای زدن زال با موبدان در کار رودابه
۳۲	طعم وقت
۳۲	پیر طنابوری
۳۳	از آنچه هستید یک قدم فراتر آید
۳۴	قصاب جوار خانقاه ابوسعید
۳۵	چرخ نیلوفری
۳۶	سالاری تن خویش
۳۶	صفت شهر مکه
۳۹	به غایت رسیدن عشق رامین بر ویس
۴۱	سلطان محمود و قاضی نادرست
۴۵	کاروان حله

۴۵	جدایی
۴۶	حدیث ملطفه‌ها
۴۷	داستان مأمون و امام رضا (ع)
۴۹	غافلان و جاهلان
۴۹	مرد ابله و بقال بلخ
۵۱	حج
۵۳	کدوبن چنار
۵۳	دیر به دیر آمدن
۵۳	آلوده من کسان
۵۴	شکستگی در جوانی
۵۴	اعرابی حج گزار ملک شاه
۵۴	گدایی والی شهر
۵۵	تفسیر سوره‌ی اعراف
۵۷	آرزوی ایاز
۵۸	چند رباعی از ختام

سبک عراقی

۶۰	ملطفه‌ی اسکافی
۶۱	آرد نماند
۶۲	پادشاه رعیت کش
۶۳	پادشاه نومید و آمرزش یافتن او
۶۴	زاغ و کبک انجیر
۶۶	در شکایت از حبس و بند
۶۸	بنده و خلعت پادشاه
۶۸	پیر ترکستان و کشف حال او
۶۸	حکایت شیخ ابوالحسن و شوق بادنجان
۶۹	ذوالنون مصری و مرقع پوشان جان داده در بادیه
۷۱	چند غزل از سعدی
۷۱	عشق دلبران یغما

۷۱	عشق و صبوری
۷۲	عشق سعدی
۷۲	حدیث عشق
۷۳	حکایت‌های گلستان سعدی
۷۸	آزمودن پادشاه یمن حاتم را به آزاد مردی
۷۹	سلطان عالی محل
۸۰	خواجه، سنگدل
۸۰	یافتن دوست
۸۱	پدر بخش و پسر لالایی
۸۲	پیر جنگی
۸۵	رستخیز ناگهان
۸۶	عذر تقصیرها
۸۷	دولت عشق
۸۸	من جدا گریه کنان، ابر جدا، یار جدا
۸۸	سروچمان
۸۸	سماع وعظ و نغمه‌ی رباب
۸۹	اسرار الهی
۸۹	رونق میکده

سبک هندی

۹۳	شرح پریشانی
۹۴	مناجات
۹۵	خیال مستی نیم جانی‌ها
۹۵	مهمان سرای چشم سرای یار
۹۶	تقابل عقل و عشق
۹۶	پیک فرخ فال
۹۷	شراب روحانی
۹۸	پیمان شکن
۹۸	سوگندنامه

۱۰۰.....	خرابات.....
۱۰۰.....	کلبه‌ی احزان.....
۱۰۱.....	چهره‌سازی گل.....
۱۰۱.....	پیری.....
۱۰۲.....	سایه‌ی دیوانه‌ی ما.....
۱۰۳.....	جوش بهار رحمت.....

سبک مدرسه، بازگشت ادبی

۱۰۶.....	شان شعر در عصر صفوی.....
۱۰۸.....	بزم محبت.....
۱۰۸.....	چهره‌ی زرد من.....
۱۰۹.....	حذر از چشم سیه.....
۱۱۰.....	نامه‌ی مخلصانه.....
۱۱۱.....	در آینه‌ی چشم من.....

ادبیات معاصر ایران

۱۱۷.....	آی آدم‌ها.....
۱۱۹.....	کارون.....
۱۲۰.....	یاد یاران.....
۱۲۱.....	لاله‌ی خونین کفن.....
۱۲۱.....	دماوندیه.....
۱۲۳.....	فرشته‌ی انس.....
۱۲۴.....	گوهر اشک.....
۱۲۶.....	دو کبوتر، دو پنجره، یک پرواز.....
۱۳۳.....	عقاب.....
۱۳۷.....	ویلان الذوله.....
۱۴۱.....	آنگاه پس از تندر.....
۱۴۷.....	آرش کمانگیر.....
۱۵۳.....	از بودن و سرودن.....

۱۵۵.....	سبزی خزه.....
۱۵۵.....	شادی آغاز.....
۱۵۷.....	غزال و غزل.....
۱۵۷.....	نی محزون.....
۱۵۸.....	حالا چرا.....
۱۵۹.....	قلب مادر.....
۱۶۰.....	نصیح.....
۱۶۱.....	آب بیل کنیم.....
۱۶۳.....	داستان کوتاه «گل».....
۱۶۶.....	قصه خرگوش و جوجه تیغی.....
۱۶۹.....	آواز عاشقانه‌ها.....
۱۶۹.....	غزل تصمیم.....
۱۷۱.....	نشانه‌های نگارشی.....
۱۷۴.....	درست بنویسیم.....
۱۷۷.....	نامه‌های اداری.....
۱۷۹.....	دستور زبان فارسی.....
۱۸۹.....	آرایه‌های ادبی.....
۱۹۱.....	مکتب‌های ادبی اروپایی.....
۱۹۸.....	منابع.....

زبان و ادبیات فارسی جدای از این که در میان فرهیختگان و اصحاب فرهنگ از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار بوده، یکی از دروس دانشگاهی است که دانشجویان رشته‌های مختلف در دوره‌های کاردانی و کارشناسی بنا بر تصویب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف به گذراندن آن می‌باشند. مؤلفان برای تهیه منبع این واحد درسی سعی کرده‌اند بنا بر تشخیص تجربه‌ی شخصی گزیده‌ای از آثار منظوم و منثور ادب فارسی همراه با مباحثی درباره‌ی متن و نگارش فارسی فراهم آورند و بر مبنای سیر تاریخی ادبیات فارسی آن‌ها را تنظیم کنند تا دانشجویان درست‌تر و عمیق‌تر با میراث گرانبهای زبان و ادب فارسی آشنا شوند و راحت‌تر آن را فراگیرند. مؤلفان امیدوارند توانسته باشند رضایت مخاطبان و علاقه‌مندان به زبان و ادب فارسی را فراهم آورده باشند.

تو خشنود باشی و ما رستگار

خدایا چنان کن که سزاوار

مؤلفان

به نام آنکه هستی نام ازو یافت

به نام آنکه هستی نام ازو یافت
خدایی کافرینش در سجودش
تعالی الله یکی بی مثل و مانند
فلک بر پای دار و انجسم افروز
جواهر بخشش فکرت‌های باریک
غم و شادی نگار و بسیم و امید
نگارنده‌ی بسالا و پستی
وجودش بر همه موجود قاهر
مراد دیرمدش بر یک بینسان
خداوندی که چش ندامش بخوانی
نیایسد پادشاهی به بهر
ورای هر چه در گیت‌هاست
به جستجوی او بر بزم افلاک
خرد در جستنش هشیار بر لعل
شناسایش بر کس نیست دشوار
قیاس عقل تا آنجاست بر کار
مده اندیشه را زین پیشتر راه
چو دانستی که معبودی ترا هست
زهر شمع‌ی که جویی روشنایی
گه از خاکی چو گل رنگی برآرد
خرد بخشید تا او را شناسیم
چنان کرد آفرینش را به آغاز
چنانش در نورد آرد سرانجام

فلک جنبش زمین آرام ازو یافت
گواهی مطلق آمد بر وجودش
که خوانندش خداوندان خداوند
خرد را بی‌میانجی حکمت آموز
به روز آرنده شب‌های تاریک
شب و روز آفرین و ماه و خورشید
گوا بر هستی او جمله هستی
نشانش بر همه بیننده ظاهر
انیس خساطر خلوت نشینان
نیایی در جوابش «لسن ترانی»
ورا کن بندگی هم اوت بهتر
برون از هر چه در فکرت قیاسیست
دریده وهم را نعلین ادراک
چو دانستش نمی‌داند چپ از راست
ولیکن هم به حیرت می‌کشد کار
که صانع را دلیل آید پدیدار
که با نوه آیدت در پیش یا چاه
بدار از جوی چون و چه دست
بسه و حیرتش یابی گواهی
گه از آبی حیرت‌ها نقشی نگارد
بصارت داد تا خرد و هراسیم
که پی بردن نداند پس بدان راز
که نتواند زدن فکرت در آن گام

خسرو و شیرین نظامی

سبک خراسانی



به سبک شعر فارسی دری از نیمه‌ی قرن سوم تا قرن ششم که در خراسان بزرگ تولد یافت. سبک خراسانی می‌گویند و چون ترکستان هم جزء خراسان آن روزگار بوده و نیز به علت ظرافتش در زمان سامانیان، به سبک ترکستانی و سبک سامانی هم شهرت یافته است. از مهمترین ویژگی‌های این سبک به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

(۱) سادگی زبان (۲) سبک‌انگیزات عربی و بیگانه (۳) واژه‌های کهنه و قدیمی (۴) غلبه‌ی روحیه‌ی شادی و نشاط در شعر (۵) استفاده از آرایه‌های ادبی به صورت طبیعی و معتدل (۶) معشوق عمدتاً زمینی است (۷) سبب عمده‌ی شعری این دوره قصیده است. از شاعران مشهور این دوره می‌توان به سی، فردوسی، فرخی سیستانی، عنصری، ناصر خسرو، منوچهری دامغانی و سنایی را نام برد. در حوزه‌ی سبک خراسانی، دو دوره‌ی نثر آمده می‌شود:

(۱) نثر دوره‌ی سامانی با ویژگی‌هایی مانند: آهواز، کوتاه‌های جملات، کاربرد لغات فارسی کهن، تکرار کلمات و جملات به ضرورت معنی. در این نثر این دوره ساده و مرسل است. از نمونه‌های نثر این دوره می‌توان تاریخ بلعمی، تفسیر طبری و مقدمه‌ی شاهنامه‌ی ابومنصوری را نام برد.

(۲) نثر دوره‌ی غزنوی و سلجوقی با ویژگی‌هایی مانند: اطناف، دراز نویسی، تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و شعر عربی، تقلید از نثر عربی، حذف افعال زینیه و کاربرد واژه‌های عربی.

از نمونه‌های نثر این دوره می‌توان تاریخ بیهقی، قابوس نامه، سیاست‌نامه، سفرنامه‌ی ناصر خسرو و کیمیای سعادت را نام برد.

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی، شاعر بلند آوازه‌ی سده‌ی سوم و چهارم هجری در ناحیه‌ی رودک سمرقند تولد یافته است وی نخستین شاعر بزرگ فارسی و پدر شعر فارسی شناخته شده است. رودکی علاوه بر هنرنمایی در انواع شعر، کلیله و دمنه را هم به نظم کشیده و به حفظ و استقلال زبان فارسی خدمت بزرگی کرده است. وفات او را سال ۳۲۹ هـ. ق دانسته‌اند.

نشوی خدا را

زهی فرود آمد جمال تو زیب و آرا را
قسم بر آن من آهن خورم که از سختی
که از تو هیچ مروت طبع نمی دارم
هزار بار خدایا من می آرم
چو رودکی به غلامی این تر سوال کنی
شکسته سنبل زلف تو مشک سارا را
هزار طرح نهاده است سنگ خارا را
که کس ندیده ز سنگین دلان مدارا را
ولی چه سود چو تو نشوی خدا را را
بسه بندگی نپسندد هزار دارا را

مادر آزادان کم آرد فرزند

دیر زیاده! آن بزرگوار خداوند
دایم بر جان او بلرزم، زیرات
از ملکان کس چو نبود جوانی
کس شناسد همی که: کوشش او چون؟
دست و زبان زر و در پراگند او را
در دل ما شاخ مهربانی بنشاست
همچو معماست فخر و همت او شرح
گر چه بکوشند شاعران زمانه
سیرت او تخم گشت و نعمت او آب
سیرت او بود وحی نامه به کسری
سیرت آن شاه پندنامه اصلیست
هر که سر از پند شهریار بیچید
کیست به گیتی خمیر مایه‌ی ادبار؟
هر که نخواهد همی گشایس کارش
ان گرامی به جانش اندر پیوند
مادر آزادگان کم آرد فرزند
اد و سخندان و شیرمرد و خردمند
خلی داد ممی که بخشش او چند
نام به گیتی نه از گزاف پراگند
دل نه به مری و مهر خواسته بر کند
همچو ابستاسد نصیب و سیرت او زند
مدح کسی را کسی نگوید مانند
خاطر مداح او زمین برومند
چون که به آیینش پندنامه بیاگند
ز آن که همی روزگار گیرد از او پند
پای طرب را به دام گرم درافکند
آن که به اقبال او نباشد خرسند
گو: بشو و دست روزگار فروبند